

مطالعات عدالت اجتماعی و کاهش فقر

مجری طرح: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

مدیر مسئول طرح: دکتر حسین صادقی

نوع طرح: تحقیقاتی

سال خاتمه طرح: ۱۳۸۵

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، فقر، توزیع درآمد، توسعه انسانی

خلاصه‌ای از نتایج و کلیات تحقیق:

این طرح در سه بخش و سیزده فصل تدوین و تنظیم شده است. بخش اول با عنوان "شناسایی فرایند و کاهش فقر مشتمل بر ۵ فصل می‌باشد"

در تاریخ بشر مقولاتی همچون گرسنگی، بیکاری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی و فقر، از دغدغه‌های جوامع بشری بوده و خواهد بود. در قرون گذشته و در آستانه قرن ۲۱ میلادی این مسائل به کانون توجه جدی افراد یا جوامع، دولت‌ها یا احزاب و گرایش‌های مختلف فکری و ارزشی تبدیل شده است و در قرن اخیر نیز همواره این مسائل بعنوان یک مشکل فراملی نیز در جهان مطرح بوده و از اواخر دهه ۷۰ و با شروع دهه ۸۰ بدلیل پذیرش برنامه اصلاح ساختاری، آزادسازی و خصوصی سازی توسط بسیاری از کشورهای جهان، فقر و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر با شدت بیشتری مورد توجه قرار گرفت. بعد از انجام برنامه‌های تعدیل در دهه ۸۰ در بسیاری از کشورهای جهان و نتایجی که بر اثر این سیاست‌ها ایجاد شد، نیاز جدی به تجدید نظر اساسی در ساختارهای سیاست‌های تعدیل جهت ملایم‌تر نمودن تاثیرات سوء این سیاست‌ها بر فقر در سطح جهان ایجاد شد. بدین منظور و برای جلوگیری از افزایش روزافزون فقر در سطح جهان خصوصاً در کشورهای فقیر و در حال توسعه، نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای اقداماتی نمادین و عملی را در پیش گرفتند.

در ایران نیز مطالعات فراوانی پیرامون فقر در قبل و بعد از انقلاب صورت گرفته و در سالهای اخیر فقر و روشهای اندازه‌گیری آن مورد توجه بسیاری از محققین دانشگاهی کشور بوده است و بعد از انجام سیاست‌های تعدیل اقتصادی همگام با مشکلاتی که در کل جهان بر اثر سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در ایران بوجود آمده بود، تلاشهای زیادی در قالب مطالعات پژوهشی، ارائه مقالات یا تالیف کتاب، برگزاری همایشها در جهت شناخت عوامل فقر و راه‌های فقرزدایی انجام گرفت. از مطالعات انجام شده و تفاوت‌هایی که این تحقیقات با یکدیگر دارند، این نکته استنباط می‌شود که فقر یک مقوله فرابخشی است که باید مورد مطالعه تمامی کارشناسان علوم انسانی و بهداشتی قرار گیرد. اقتصاددانان نیز معضل فقر را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی از این مطالعات تنها به وضعیت فقر در ایران پرداخته است و برخی دیگر خط فقر را به روشهای مختلف برآورد نموده‌اند.

نکته قابل ذکر در مورد مطالعات مربوط به فقر این است که این مطالعات، نتایج متفاوتی را دربر داشته است. بدین ترتیب برای بررسی مشکل فقر و ارائه راهکارهای لازم جهت فقرزدایی، نیازمند بررسی همه مطالعات انجام شده در کشور می‌باشد و بدین منظور فصل اول به بحث «مطالعات فقرزدایی در ایران» اختصاص یافته است و تقریباً اکثر مطالعات مهم انجام گرفته در ایران بصورت بسیار خلاصه در این قسمت مورد بررسی قرار گرفته است تا در تحقیق از شاخصها، تعاریف و مطالب موجود در مطالعات گذشته استفاده شود. مباحث مطرح شده در این فصل عبارت‌اند از: مروری بر مطالعات انجام شده در مورد فقر در ایران، مطالعات مربوط به اندازه‌گیری خط فقر، مطالعات بنیادین فقر، مطالعات مربوط به فقرزدایی، روابط بین متغیرهای اقتصادی، مطالعات مربوط به فقر غذایی، مطالعات مربوط به توزیع درآمد، مطالعات مربوط به مالیات، یارانه، فقر و در آخر این فصل، جدول خلاصه برآوردهای خط فقر و روشهای مختلف تا سال ۱۳۸۰ ارائه شده است.

در فصل دوم این گزارش با عنوان «تجربیات فقرزدایی در سایر کشورها» سعی شده است تا تجربه برخی از کشورهای در حال توسعه در تدوین استراتژی فقرزدایی بیان گردد. بنظر می‌رسد با آگاهی از تجربه دیگر کشورها بتوان با دید بهتر و وسیع‌تر به این مسئله نگریست و راهکارهای موثری در رفع این معضل اجتماعی-اقتصادی برداشت. به این منظور در این فصل به بررسی فقر و استراتژی کاهش آن در جهان به تجربیات کشورهای آذربایجان، آلبانی، بنگلادش، کامرون و فیلیپین پرداخته شده است.

فصل سوم گزارش به «تصویر فقر در ایران» اختصاص یافته و در آن تعریف فقر، خط فقر، شاخص‌های اندازه‌گیری شدت فقر، محاسبه خط فقر برای خانوارهای با سرپرست زن، اندازه‌گیری خط فقر برای خانوارهای با سرپرست زن، محاسبه خط فقر بر مبنای انرژی دریافتی و خط فقر به تفکیک خانوارهای مالک و مستاجر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در فصل چهارم این گزارش به «بررسی میزان فقر در استانهای کشور و همچنین بررسی عوامل منطقه‌ای موثر بر فقر» پرداخته شده است. بر این اساس، در ابتدا مروری بر مفهوم فضا و اهمیت آن در بررسی پدیده فقر و سپس به بررسی عوامل منطقه‌ای موثر بر فقر پرداخته شده و در انتهای این فصل نتیجه محاسبات خط فقر در مورد استانهای کشور بررسی و راهکارها و سیاستهای پیشنهادی اقتصاددانان برای بهبود این وضعیت ارائه شده است.

در فصل پنجم «فرآیند فقر در طول زمان» مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع فقر فرایندی است که باید در طول زمان مورد مطالعه قرار گیرد. این مساله در مورد فرد، خانوار و نیز جوامع مختلف مصداق می‌یابد. برای این منظور به تبیین روند تحولات ساختاری خانوار و بررسی شاخص‌های فقر برای گروه‌های مختلف طی دوره زمانی ۱۳۶۳-۱۳۸۱ پرداخته شده و در ادامه، خط فقر، درصد فقر، شدت فقر، ضریب جینی فقرا و سرانجام شاخص سن در طول دوره مورد اشاره بررسی شده است. به این ترتیب، تحولات اقتصادی و اجتماعی فقر در این دوره تا اندازه‌ای آشکار گردیده است.

بخش دوم گزارش حاضر با عنوان «توسعه انسانی و عدالت اجتماعی» در بردارنده فصول ۶ تا ۱۱ می‌باشد. فصل ششم اختصاص به بررسی «مطالعات نابرابری در ایران» دارد. در این فصل ابتدا مروری بر معیارهای نابرابری و ویژگیهای یک معیار نابرابری شده و سپس شاخص‌های نابرابری که در ادبیات اقتصادی مورد استفاده هستند به شکل اجمالی معرفی شده است. در ادامه به مطالعات انجام شده در کشور پیرامون نابرابری توزیع درآمد و برخی از مهمترین مطالعات صورت گرفته در کشورهای دیگر بحث شده و سابقه محاسبه ضریب جینی به عنوان یکی از پرکاربردترین شاخص‌های توزیع نابرابری درآمد در مطالعات، گزارش شده است.

فصل هفتم به مبحث «توسعه انسانی در ایران» اختصاص یافته است؛ در این فصل پس از بررسی مفهوم توسعه انسانی و تاریخچه آن، روش اندازه‌گیری شاخص توسعه انسانی و تکامل آن از سال ۱۹۹۰ تاکنون توضیح داده شده و سپس سابقه مطالعات در زمینه شاخص توسعه انسانی (HDI) در ایران بررسی شده است. بر اساس این بررسی، تحولات عمیقی که طی دهه‌های اخیر در درک توسعه به وجود آمده، منجر به معرفی شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ شده است.

در فصل هشتم با عنوان «پایداری زیست‌محیطی در ایران»، پایداری زیست‌محیطی استانهای ایران تعیین و با یکدیگر مقایسه شده و از بین شاخص‌های توسعه پایدار که در دو دهه اخیر پیشنهاد شده، شاخص پایداری زیست‌محیطی (ESI)^۱ که توسط مجموعه جهانی (WEF)^۲ معرفی گردیده که هر سال برای تعداد زیادی از کشورها محاسبه می‌شود، انتخاب شده است. بررسی نتایج حاصل نشان می‌دهد که اولویت مسائل زیست‌محیطی استانهای ایران متفاوت می‌باشد و استانهای گلستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد بالاترین رتبه را در پایداری زیست‌محیطی بدست آورده‌اند و استانهای اصفهان، سیستان و بلوچستان و فارس به ترتیب بدترین استانها از لحاظ پایداری زیست‌محیطی بوده‌اند. در راستای تحقیق و پژوهش در خصوص توسعه انسانی و عدالت اجتماعی، فصل نهم به مطالعه مبحث «جنسیت و عدالت اجتماعی» می‌پردازد. با توجه به اهمیت موضوع نابرابری جنسی در این فصل، نابرابری جنسیتی بیشتر معرفی و به جزئیات آن توجه شده و سپس براساس این شاخص‌ها وضعیت نابرابری جنسیتی در کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل دهم این طرح به بحث «عدالت و آزادی اقتصادی در ایران» اختصاص یافته است. در بخش دوم، فصل یازدهم به بحث درباره «عدالت قضایی و وضعیت جرایم در ایران» می‌پردازد. بر اساس یافته‌های این بررسی از آنجا که امروزه عدالت به یک مفهوم بسیار پیچیده تبدیل شده و ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است، سازکارهای سنتی و گذشته دیگر جوابگوی سیستم قضایی امروزه نیست. تنوع نوع جرایم و پیچیدگی‌های موجود در تعیین جرایم بهینه، تناسب جرم و مجازات، نوع تنبیه و ... همه مسائلی است که در راستای اجرای عدالت در جامعه و کاهش جرایم عنوان شده است و کشورهایی در این زمینه موفق

1. ESI: ENVIRONMENTAL SUSTAINABILITY INDEX
2. WEF: WORLD ECONOMIC FORUM

بوده‌اند که در کنار توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توسعه قضایی را نیز مد نظر قرار داده‌اند و گامی مهم در کاهش جرایم برداشته‌اند.

بخش سوم این گزارش به مساله «توزیع درآمد و عدالت اجتماعی» می‌پردازد که شامل دو فصل دوازدهم و سیزدهم است. فصل دوازدهم «توزیع آماری و سیاستهای افزایش برابری» را مورد مطالعه قرار داده، زیرا نابرابری درآمد، مصرف و دیگر شاخصهای تعیین وضعیت رفاهی زندگی یکی از نگرانیهای سیاست‌گذاران است. ارزش‌گذاری در مورد توزیع درآمد مطلوب، محدود به مباحث و استدلالهای اقتصادی و اجتماعی نبوده و متاثر از ارزشهای اخلاقی و اعتقادی هر جامعه است. لازم به ذکر است عدم تبیین دقیق این موضوع می‌تواند پیامدهای ناگواری برای کشور داشته باشد و درنهایت در فصل سیزدهم «توزیع درآمد بین عوامل تولیدی» محور مطالعه قرار می‌گیرد.

بطور کلی این فصل بدنبال بررسی میزان تحقق عدالت در نحوه توزیع درآمدها بین عوامل تولیدی بوده و بر این اساس ابتدا پس از بررسی مفاهیم عدالت اجتماعی و اقتصادی از منظر صاحب‌نظران، مبانی نظری توزیع درآمد و علل ایجاد نابرابری درآمد بین عوامل تولید مطرح شده است. همچنین در این مطالعه نحوه توزیع درآمدها بین عوامل تولیدی براساس داده‌های مربوط به درآمد هزینه خانوارها و نیز براساس داده‌های مربوط به حسابهای اقتصادی بررسی گردیده است.

نتایج تحقیق موید این مهم است که ایجاد نابرابری درآمدی بین عوامل تولیدی با توجه به سیستم توزیع درآمدهای ایران امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد؛ بطوریکه براساس نحوه توزیع درآمد بین خانوارهای روستایی و شهری (۸۱-۱۳۶۵) مشاهده می‌گردد که بطور متوسط کمتر از ۳۰ درصد درآمد خانوارها از محل حقوق و دستمزد بوده و بیش از ۷۰ درصد درآمد خانوارها از محل منابع دیگر درآمدی می‌باشد. همچنین داده‌های مربوط به حسابهای اقتصادی طی دوره ۸۰-۱۳۷۰ صحت درصدهای مذکور را تایید می‌کند؛ بطوریکه بر اساس داده‌های مربوط به حسابهای اقتصادی بطور متوسط کمتر از ۳۰ درصد درآمد ملی به نیروی کار به صورت حقوق و دستمزد تعلق گرفته و بیش از ۷۰ درصد آن بین سایر عوامل تولیدی تخصیص یافته است. حال از آنجائیکه در اقتصاد ایران نیروی کار مهمترین منبع درآمد بسیاری از خانوارهای جامعه می‌باشد؛ لذا نتیجه کلی پژوهش حاضر نشان‌دهنده این است که نحوه توزیع درآمدها در ایران منجر به افزایش فاصله طبقاتی و نیز گسترش فقر گردیده و از این رو تحقق عدالت در مقوله توزیع درآمدها در سطح پایین‌تری قرار دارد.